

آفرین پیمان پهلوی یا پیمان کدخدایی

سعید عربان

«آفرین پیمان کدخدایی» نام متنی است که در شمار اسناد ازدواج بازمانده از دوران کهن ایران بویژه فرهنگ مزدایی قرار دارد. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد در مجموع به جز متون کوتاه که نمی‌توان مسائل ازدواج را در آنها به دقت بررسی کرد، سه متن بلند بعنوان اسناد ازدواج نمونه، از فرهنگ مزدایی و کهن ایران در دست است که به شرح زیر عبارتند از: نخست «درباره پیمان کدخدایی» تنها با تحریر پهلوی^۱، دیگر، نکاح از روش ایران تنها با تحریر پازند^۲ و سوم متن حاضر. متن «آفرین پیمان پهلوی» یکی از مهمترین این سه متن است که از آن هم تحریر

۱- عربان، سعید ۱۳۷۱، ۱۷۳؛ ۱۴۱ Jamasp Asana 1897,

2- Antia 1909, 170-174.

پازند و هم تحریر پهلوی در دست است.^۱ تحریر پازند آن، صفحات ۱۱۲ - ۱۱۵ از مجموعه «متون پازند» را که آنتیا آن را در سال ۱۹۰۹ در بمبئی منتشر نمود، بخود اختصاص داده است.

در سال ۱۹۶۳، دابار در «ترجمه زند خرده اوستا» ترجمه‌ای را نیز از این متن که بر پایه تحریر پهلوی صورت گرفته بود منتشر نمود.^۲

این متن که تحریر پازند آن مورد پژوهش قرار گرفته است از ابعاد گوناگونی چون ساختار و قباله‌های ازدواج، تعهدات زوجین، اختیارات زوجین، مهریه یا میزان پولی که باید به زوجه داده می‌شد و نیز دعا‌های مربوطه دارای اهمیت است.

ترجمه فارسی آفرین پیمان پهلوی

یتا هوویریو < ۲ بار >. دهادتان دادار هر مزد فرزندان نر بیشتر، نییرگان، روزی فراخ و دوستی دل، رواتن از چهرروا (= تنی با چهره‌ای زیبا)، دیرزیوشی و پایندگی < برابر با > صد و پنجاه سال. به روز فلان، ماه فلان، سال هفت صد و شصت و هفت^۱ از < سلطنت > شاهانشاه یزدگرد، شهریار ساسان تخمه (= ساسانی)، به شهرستان (= سرزمین) خجسته ایران، اندر فلان شهر، انجمنی بر پا شد. بنابر داد (= قانون) < و > آیین دین مزدیسنی، آیا کدخدایی < و > دختر < به زنی > دادن این دختر^۲ نامور به فلانی را به پیمان دو هزار درم سیم سپید ویژه و دو دینار زر سرخ سره (= رایج) نیشابوری می‌پذیرید^۳؟ و نیز بودتتان با دودمان خود، با رایزنی < و > همداستانی، با راست منشی، با سه گویش (= پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک)، و با افزایش کرفه خویش؟ آیا

۱- برای متن پهلوی نک. عفیفی، رحیم. ۱۳۷۴؛ اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران، ص ۳۸۱ -

می‌پذیرید که در طول زندگی، با راست منشی این پیمان را ببندید؟ هر دوی شما را رامش افزون باد. <این را> سه بار باید گفتن.

به نام <و> یاری هرمزد: همیشه فرهمند باشید؛ فرخنده فال باشید؛ رو به رشد باشید؛ پیروزمند باشید؛ تعلیم دهنده راستی باشید؛ سزاوار تحسین باشید؛ در منش با پندار نیک بیندیشید، در گفتار با گفتار نیک سخن بگویید، در کنش با کردار نیک رفتار کنید؛ هر گونه پندار بد از میان برود، هر گونه گفتار بد رو به کاهش گذارد، هر گونه کردار بد به سوزد، راستی ستاییده شود؛ جادویی نگون شود؛ <دین> مزدیسنی خوانده شود؛ با کامل اندیشی کار ورز (= انجام بده)، از فرارونی (= نیکی) خواسته (= ثروت) اندوز، نسبت به فرمانروایان یگانه، راست سخن <و> فرمانبردار باش؛ نسبت به یاران فروتن، مؤدب <و> نیک چشم باش؛ غیبت مکن؛ خشمگینی مکن؛ برای ننگ گناه مکن؛ آزکامگی مکن؛ رنج مبر؛ رشگ بیهوده مبر؛ خودستایی مکن؛ تنفر مورز؛ شهوت مورز؛ خواسته کسان مبر؛ از زن کسان بپرهیز؛ از سخت‌کوشی خویش روزی خوار^۴ باش؛ یزدان و بهان را بهره‌ور کن؛ با کین‌ور مرد نبرد مکن؛ با آزر انباز مباش؛ با سپزگ (= مفتری) همراه مباش؛ با بدنام پیوند مکن؛ با دُش آگاه (= نادان) همکار مباش؛ با دشمنان، به عدالت بستیز؛ با دوستان بنا بر پسند دوستان رو؛ با گمراه پیکار مکن؛ پیش انجمن بوخت گفتار (= راست گفتار) باش؛ پیش پادشایان پیمان سخن (= میانه رو در گفتار) باش؛ از پدر نامبردار باش؛ به هیچ صورت مام (= مادر) میازار؛ خویشان را به راستگویی رستگار دار؛ چونان کیخسرو نامیراتن باشید؛ چونان کاوس آگاه^۵ باشید؛ چونان خورشید درخشان باشید؛ چونان ماه بخشنده^۶ باشید؛ چونان زردشت نامدار باشید؛ چونان رستم زورآور باشید؛ چونان زمین سپندارمذ حاصلخیز^۷ باشید؛ چونان تن و جان با دوستان و برادران و زن و فرزندان نیک دوستدار باشید^۸؛ همیشه بهدین <و> نیک طبع باشید؛ هرمزد را به خدایی شناسید^۹؛ زردشت را به ردی (= سروری) ستایید^{۱۰}؛ اهریمن دیو نابود شود.

هرمزد دهش دهد <و نیز> ژرف اندیشی^۹ بهمین را، خوب گفتاری اردیبهشت را،

خوب کرداری شهریور را، کامل اندیشی سپندارمذ را، شیرینی و وقار خرداد را، برومندی امرداد را، دادار هرمزد دهش <دهاد ونیز> درخشش روبه فزونی آذر را، پادیابی (= طهارت) اردویسور را، سرفرازی^{۱۰} شاهانه خورشید را؛ گوزهر بالنده ماه را؛ روایی رادی تیر را، پرهیزگاری^{۱۱} <از گناه> گوش را. دادار هرمزد دهش <دهاد ونیز> داد (= قانون) انوشه (= جاودان) مهر را؛ فرمان پناهی (= محافظت و انجام فرمانها) سروش را؛ راست روشی رشن را؛ رویش^{۱۲} نیروی فروردین را؛ دستیابی^{۱۳} به پیروزی بهرام را؛ رامش استوار رام را؛ توانایی ارونند^{۱۴} باد را. دادار هرمزد دهش <دهاد ونیز> دانش افروزی دین را؛ فره اندوزی ارششونگ را؛ هنراندوزی اشتاد را؛ بسیار کوشایی آسمان را؛ گاه پابندگی (= ماندگاری مقام) زمیاد را؛ خوب نگرشی مهر سپند را؛ فره تن^{۱۵} انیران را.

متن پازند

سپندارمذ را، شهریور را، کامل اندیشی سپندارمذ را، شیرینی و وقار خرداد را، برومندی امرداد را، دادار هرمزد دهش <دهاد ونیز> درخشش روبه فزونی آذر را، پادیابی (= طهارت) اردویسور را، سرفرازی^{۱۰} شاهانه خورشید را؛ گوزهر بالنده ماه را؛ روایی رادی تیر را، پرهیزگاری^{۱۱} <از گناه> گوش را. دادار هرمزد دهش <دهاد ونیز> داد (= قانون) انوشه (= جاودان) مهر را؛ فرمان پناهی (= محافظت و انجام فرمانها) سروش را؛ راست روشی رشن را؛ رویش^{۱۲} نیروی فروردین را؛ دستیابی^{۱۳} به پیروزی بهرام را؛ رامش استوار رام را؛ توانایی ارونند^{۱۴} باد را. دادار هرمزد دهش <دهاد ونیز> دانش افروزی دین را؛ فره اندوزی ارششونگ را؛ هنراندوزی اشتاد را؛ بسیار کوشایی آسمان را؛ گاه پابندگی (= ماندگاری مقام) زمیاد را؛ خوب نگرشی مهر سپند را؛ فره تن^{۱۵} انیران را.

یادداشت‌ها

- ۱- این تاریخ در تحریر پازند متن برابر با «یکهزار و دویست و هفتاد و هفت» آمده است که بی‌گمان نمی‌تواند تاریخ سند مربوطه باشد. در متن پهلوی «در باره پیمان کدخدایی» 141 (Jamasp - asana 1897, 137, 173) تاریخ تنظیم سند برابر است با سال ۶۲۷ یزدگردی که برابری می‌کند با سال ۱۲۷۸ میلادی. از سوی دیگر، دابار در ترجمه متن فوق تاریخ سند را بر پایه متن پهلوی، برابر با ۷۶۷ یزدگردی آورده است (Dhabhar 1963, 400)، که برابر می‌شود با سال ۱۴۱۸ میلادی. همانگونه که ملاحظه می‌شود، به هیچ صورت نمی‌توان تاریخ ۱۲۷۷ یزدگردی را که با ۱۹۲۸ میلادی برابر می‌شود، در این متن توجیه نمود. بنظر نگارنده، احتمالاً کاتب سند، هنگام تحریر متن پازند، سال میلادی متن پهلوی «در باره پیمان کدخدایی» مورد اشاره در بالا را از روی اشتباه به جای تاریخ این سند درج نموده است.
- ۲- اگر قبلاً ازدواج کرده باشد، بجای عبارت «این دختر» عبارت «این زن» بکار می‌رود.
- ۳- این رقم در تحریر پهلوی متن و نیز بر پایه آن در ترجمه دابار (Dhabhar 1963, 401) برابر با ۲۰۰۰ دینار زر نیشابوری (= رایج) آمده است، در حالیکه در متن پهلوی پیمان کدخدایی (عریان ۱۳۷۱، ۱۷۴، ۱۷۴، ۱۷۴) (Jamasp - Asana 1897, 142) نیز روی سیم بودن وجه تصریح دارد.
- ۴- در متن پازند: ... خویش کار باش؛ در متن پهلوی: ... خویش خوار باش.
- ۵- در متن پازند «آگاه‌مند» آمده است در حالیکه پسوند «-مند» چون خود صفت ساز است، بنابر قاعده پس از صفت نمی‌آید. از این رو در ترجمه فارسی به «آگاه» تصحیح شد.
- ۶- در متن پازند بصورت: بوختار buxtār و در تحریر پهلوی bht'1 = baxtār آمده است که صورت پهلوی درست‌تر به نظر می‌رسد.
- ۷- در متن پازند «bar - dāran = دارای بر»، و در تحریر پهلوی «bar - dahagān = bidhkⁿ»
- بردهنده» آمده است که البته هر دو صورت دارای حالت جمع و یک معنی هستند.
- ۸- این فعل هم در تحریر پازند و هم در تحریر پهلوی با وجه دعایی - آمده که در ترجمه

فارسی به قیاس با عبارت‌های پیشین به دوم شخص جمع اصلاح شد.

۹- این واژه در تحریر پازند بصورت *manašni manidi* و در تحریر پهلوی بصورت *mynšhy* صورت *mnytyk* آمده است که هیچ یک از دو صورت نمی‌توانند صورت درست باشند. صورت درست این واژه مرکب در متون پهلوی برابر است با *minišn minidārīh = mynšn mynyd lyh*.

۱۰- این واژه در متن پهلوی می‌تواند هم بصورت *šhyk* به معنی «شاهی یا شاهانه» باشد و هم می‌تواند به شکل *shyk* به معنی، در خور و شایسته باشد (dhabar 1963,407)

۱۱- این واژه در تحریر پازند بصورت *parahēxtār* و در تحریر پهلوی بصورت *p^hlyht^l* آمده که با توجه به بافت جمله درست نیست؛ زیرا در عبارت مربوطه باید اشتقاق اسمی واژه بصورت *P^hlyht^llyh* به معنی پرهیزگاری به کار رود و نه اشتقاق صفتی آن. ۱۲- این واژه در تحریر پازند بصورت *rawišni* و در تحریر پهلوی بصورت *lwšnyk* آمده است که هر دو صورت اشتباه بنظر می‌رسد. صورت درست واژه در این بافت *lwdšn* به معنی «رویش، رشد» است.

۱۳- واژه در تحریر پازند بصورت *andātār* و در تحریر پهلوی بصورت *hnd[>]ht^l* آمده که صورت پازند بنابر بافت عبارت و صورت دوم هم بنابر بافت عبارت و هم بنابر املاء واژه اشتباه است. صورت درست واژه باید *hnd[>]ht^llyh* باشد.

۱۴- در تحریر پازند به اشتباه: *guāt*.

۱۵- واژه در تحریر پازند بصورت *frahē tan* و در تحریر پهلوی بصورت *pltn[>]* آمده است.

منابع و مأخذ

- 1- Antia, Ervad Edalji kersaspji. 1909, paĒzend Texts, Bombay.
- 2- Dhabhar, Ervad Bamanji Nusserwanji, 1963, Translation of zand - i Khurtak Avistak, Bombay.
- 3- Sethna, T.R 1975, khordeh Avesta, Karachi.
- 4- Mackenzie D.N. 1971, A Coincise pahlavi Dictionary, London.
- ۵ - پورداود، ایرانشاه.
- ۶ - پورداود، ۱۳۱۰، خرده اوستا، بمبئی.
- ۷ - کامرون، جرج. ۱۳۶۵، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران.
- ۸ - کریستن سن، آرتور. ۱۳۵۱، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران.
- ۹ - کریستن سن، آرتور. ۱۳۷۴، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، تهران.
- ۱۰ - مینوی، مجتبی. ۱۳۵۴، نامه تنسر، تهران.
- ۱۱ - عریان، سعید ۱۳۷۱، متون پهلوی، تهران.
- 12- Jamasp - Asana, JamaspJi Dastur Minocheherji, 1897, pahlavi Texts, Bombay.